

جاودانه

بهلول‌های زمانه در سوجان

بازیگران نقش‌های فرانک و جاوید در سریال «سوجان»، از چالش‌های ایفای نقش خود می‌گویند

«صفحه ۸»

چه یا چگونه گفتن مساله این است

در دومین نشست مدرسه نقد «جام‌چم» به موضوع جایگاه دانش در نقد فیلم پرداخته شد

«۱۰»



فیلمی ساحلی را کف تهران ساختیم

با عوامل فیلم سینمایی «گوهر سیراف» که از شبکه دو سیما پخش شد گفت‌وگو کردیم

«۶۱»



عیدانه رادیو برای روز پدر

شبکه‌های رادیویی برای سیزدهم رجب مصادف با ولادت حضرت علی (ع) برنامه‌های مختلفی را تدارک دیده‌اند

«۹۱»



نش مسأله بنیادین نسل جوان



قاسم تبریزی پژوهشگر تاریخ معاصر

نسل جوان در جست‌وجوی خوشبختی، کمال، رستگاری و رشد است؛ چون فطرت جوان به ملکوت الهی نزدیک‌تر بوده و گردوغبار مظاهر دنیوی بر فطرتش رسوب نگذاشته است. پرسش وارانه کنیم و این‌کلام حق است که خداوند صفات چیست؛ پرسشی که می‌تواند صدها پاسخ داشته باشد یا هرکسی برپایه تشخیص و تفکر خود راهی فراروی تشنگان وادی حق و حقیقت، خدمت و ایثار و ایثار و صداقت قرار بدهد. زنده‌یاد استاد محمدرضا حکیمی معتقد بود که جوان، نیاز به الگو دارد و ما باید الگوها را بشناسیم و ارائه کنیم و این‌کلام حق است که خداوند صفات انسان‌های مؤمن را می‌نمایاند و پیامبران و صالحان و شهدایان و عالمان و متقین را به عنوان الگو معرفی می‌کند و محتمل‌نسل جوان متوقع به حق است که چهره‌های انقلاب و مرواجان دین، سیاست و... خود مرد عمل باشند. مرد عمل نیاز به معرفی و تبلیغ ندارد بلکه عمل و کارکرد او خود گواه حق و قابل مشاهده است. همان‌گونه که نسل انقلاب شاهد بود چهره‌های علم، جهاد، مقاومت و شهادت در مسیر تقوا و علم و سلامت کوشا بودند هم مطالعه داشتند هم مشاهده. نسل انقلاب این میراث را دریافت کرد و حتی برای افراد ضعیف‌النفس و تشنگان قدرت و ثروت و ریاست درس عبرت بود. به تعبیر شهید مطهری، مسأله رهبری نسل جوان، مسأله هدایت و رهبری از نظر تاکتیک و کیفیت عمل در زمان‌های مختلف و درباره افراد متفاوت، به راستی فرق می‌کند و بایستی این خیال را از سرمان بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم. به گفته استاد شهید، باید نسل جوان را بشناسیم و دریابیم دارای چه مشخصات و ممیزاتی است، زیرا معمولاً دوگونه درباره نسل جوان قضاوت می‌شود؛ جوانان از نظر یک طبقه، خام و مغرور، گرفتار هوی و هوس با هزاران عیب هستند؛ این طبقه، همیشه به نسل جوان دهن‌کجی می‌کند و حتی ناسزا می‌گوید. از نظر طبقه نسل جوانان، عیبی در خودشان نیست. جوانان، خودشان را نماد آرمان‌های عالی و هوشمندی و زیرکی می‌دانند، نسل کهن را نقد می‌کنند و در برابر تکفیر آن نسل، ادعا می‌کنند که

شما قدیمی، نادان و ناآگاهید!

مسلمان نسل جوان دارای مزایا و عیب‌هایی است زیرا دارای ادراکات، دریافت‌ها و احساس‌هایی است که در گذشته سابقه نداشته و از این جهت باید به او حق داد. در نسل گذشته، فکرها تا این حد باز نبود و آرمان‌های عالی به این شکل وجود نداشت. باید به این آرمان‌ها احترام گذاشت. اسلام برای این امور احترام بایسته قائل شده است. در نهایت استاد مطهری نتیجه می‌گیرد و معتقد است: در رهبری نسل جوان باید دوکار انجام داد؛ نخست بایستی درد این نسل را شناخت و سپس باید به فکر درمان آن بود. بدون شناخت درد این نسل هرگونه اقدامی بی‌مورد است؛ دیگر این‌که نسل کهن باید اصلاح را از خودش شروع بکند و از گناه بزرگ خود توبه بکند یعنی از مهجور قرار دادن قرآن!

همه باید به قرآن بازگردیم و در زیر سایه قرآن به‌سوی کمال و سعادت حرکت کنیم. اما باید تاکید کرد که نسل جوان را بایستی دریابیم؛ نسلی که مسئولیت آینده را به دوش خواهد کشید و آنچه تکلیف است باید در این باره انجام داد.

درباره نسل جوان و حوزه فردی و زندگی اجتماعی آنان همچنان‌که استاد حکیمی نیز ادعان دارد چند مسأله مهم وجود دارد که پاسخی جدی می‌طلبد و هرگونه آسیبی ممکن است بدون این پاسخ‌گویی‌ها به جوانان برسد.

مسائل شش‌گانه: الگو، حرمت‌طلبی و سامان‌خواهی همچنین آزادی‌طلبی، عدالت‌خواهی و پیشرفت‌گرایی از مسائل بنیادین جوانان است که باید انقلاب اسلامی به آنها پاسخ همواره به دنبال پناهگاه مادی و معنوی است و اگر به این دو هدف دست یابد، مسلمان موفق است وگرنه در گرداب مشکلات گرفتار می‌شود.

طبیعا برای این‌که نسل جوان گرفتار چنین مشکلاتی نشود باید به دنیای ذهنی آنها ورود کرد و این مهم باید مبنای فکری و عملی نسل انقلاب باشد تا در روند تحولات اجتماعی به‌عنوان یک روش ارتباطی بین نسل‌ها مورد توجه قرار گیرد. در همین زمینه نقش روحانیان، نخبگان و همچنین رسانه‌ها در بیان مسائل اجتماعی نظام آموزشی از کودکان تا دانشگاه بسیار حیاتی است.

دیدگاه جمعی از اهالی موسیقی درباره استاد فریدون شهبازیان به مناسبت درگذشت این هنرمند معاصر

شهبازیان، جاودانه بر تارک موسیقی



فریدون شهبازیان می‌توان یکی از هنرمندان شاخص در حیطه موسیقی معاصر دانست. او صرف‌نظر از ساخت‌قطعات سال‌های اخیر، تصدی و رهبری ارکستر ملی را نیز برعهده داشت و از این رهگذر، کنسرت‌های متعددی را به همراه این ارکستر برگزار کرد. درگذشت این هنرمند بهانه‌ای قرار گرفت تا با جمعی از هنرمندان درباره مؤلفه‌های آثار او به گفت‌وگو بنشینیم. کیوان ساکت، نوازنده پرسابقه تار و سه‌تار درباره فریدون شهبازیان می‌گوید: نخست اجازه بدهید که درگذشت این هنرمند بزرگ را به جامعه هنری و هنرمندان، به‌ویژه اهالی موسیقی تسلیت بگویم، امیدوارم دیگر استادان این عرصه عمری طولانی داشته باشند تا بتوانند به فرهنگ ایران‌زمین خدمت کنند. فریدون شهبازیان هنرمندی بود که در زمینه آهنگسازی و رهبری ارکستر سال‌ها کار کرد؛ اگرچه تمام‌آثاری که ایشان در طول دوره‌های فعالیت خود ساخت، شاخص و ممتاز بود اما آن دسته از آهنگ‌های ایشان که پیش از انقلاب ساخته شد همچنان در خاطره بسیاری از مردم باقی مانده است. ازجمله رباعیات خیام که به‌وسیله استاد شهبازیان تنظیم شد و خوانندگی آن را استاد محمدرضاشجریان به‌عهده داشت. یا همین‌طور، تنظیم آهنگ پیش‌درآمدی که به «هزارستان» مشهور شده و علیرضا افتخاری خواننده آن بوده است. علاوه بر این نمونه‌ها، استاد شهبازیان در طول این سال‌ها به ساخت آثار بسیاری پرداخت که چندان که اشاره کردم تا امروز در حافظه تاریخی موسیقی ایران باقی مانده و بعد از این نیز باقی خواهد ماند. بدون شک هرکدام از هنرمندان که درمی‌گذرند و ما را تنها می‌گذارند، به جز بار دلنگنی که از فقدان آنها بر ما حادث می‌شود، نبودشان به معنی واقعی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای هنر کشور ما به‌شمار می‌رود.

این هنرمند پیشکسوت در پاسخ به این سؤال که در این سال‌ها چقدر مجال همکاری شما با ایشان در ارکستر ملی فراهم شد، اضافه می‌کند: متأسفانه هیچ‌گاه در ارکستر ملی با ایشان افتخار همکاری پیدا نکردم ولی در زمان تصدی علی معلم‌دامغانی که ایشان کارشناس هنری صداوسیما بودند، دعوت شدم تا به شیوه برنامه «گل‌های رنگارنگ» کارهایی ارائه کنم. در آن برهه این فرصت پیش آمد تا ۱۰ برنامه را با صدای خوانندگان مختلفی ازجمله سالار عقیلی، فاضل جمشیدی و... ضبط کنم که هرکدام از این آثار سال‌ها از رادیو پخش شدند و مورد استقبال قرار گرفتند؛ ضمن این‌که در برنامه‌های مختلف با ایشان دیدار داشتم که آخرین دیدار مربوط به اکران فیلم «ساعت شش صبح» ساخته مه‌رمان مدیری بود که با ایشان ملاقات کردم. ساکت در پاسخ به این سؤال که چطور می‌توان پیش از دیر شدن و از دست رفتن چنین هنرمندی، گنجینه وجودی آنها را در زمان

مجال بیشتری برای بروز و ظهور نزد جامعه داشته باشد.

وحید تاج، خواننده موسیقی اصیل ایرانی نیز از دیگر هنرمندانی است که درباره فریدون شهبازیان می‌گوید: ایشان یکی از مفاخر موسیقی ایران بوده و هست. اعتقاد دارم هر هنرمندی با کارهایی که انجام می‌دهد، نام خود را تا ابد جاودانه می‌سازد. استاد شهبازیان جزو هنرمندانی بود که تمام تلاش خود را به‌کار گرفت تا موسیقی ایرانی را به درجه‌اعلی خود برساند. او هنرمندی بود که نه فقط بر موسیقی مسلط بود بلکه شعر را هم خوب می‌فهمید. به همین دلیل است که تمام‌آثاری که ایشان ساخته، ماندگار و شاخص است.

تاج اضافه می‌کند: من این افتخار را داشتم تا در دهه ۹۰ و مشخصاً در سال ۱۳۹۵ در ارکستر ملی به رهبری ایشان، با او همکاری نزدیک داشته باشم. درباره تجربه همکاری ام از آن سال‌ها می‌توانم به این مسأله اشاره کنم که چیزی جز متانت، صبوری و آرامش در شخصیت ایشان ندیدم. درواقع همان‌طور که شخصیت او دارای چنین صفات برجسته‌ای بود، موسیقی ایشان هم از تشخص برخوردار بود و به نظرم مجموع شدن همین مؤلفه‌ها بود که از او هنرمندی سرآمد ساخت. من هم به سهم خود درگذشت این هنرمند بزرگ را به جامعه هنری و خانواده ایشان تسلیت می‌گویم.

سوسن اصلانی، نوازنده پیشکسوت سنتور و آهنگساز از دیگر هنرمندانی است که درباره استاد شهبازیان می‌گوید: یکی از خاطراتی که از ایشان در ذهن من باقی مانده این است که ایشان در سال‌های اخیر، برخی از قطعات زنده‌ای حسین دهلوی را با ارکستر ملی اجرا کردند. از این منظر کار ایشان برای من همیشه قابل توجه و احترام بوده است. از اینها گذشته، او از هنرمندانی بود که سال‌ها به شکل مستمر در زمینه حفظ موسیقی ایرانی زحمات زیادی کشید. از آنجایی که من و ایشان هر دو عضو مؤسسه هنرمندان پیشکسوت بوده‌ایم، هرگاه‌ی در برنامه‌های مختلف ایشان را می‌دیدم، خاطرم هست سال‌هایی که استاد شهبازیان در رادیو فعالیت داشتند، در جلساتی که برگزار می‌شد، با دهلوی دیدار و همکاری‌هایی انجام دادند.